



نیروز میشود

ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران

زحمتکشان ایران متحد شوید

۴۰ - تبریزی بقلم ژان پل سارتر

درین طریق بود که یک جنایت تاریخی اتفاق افتاد

مقدمه - احتیاج زیادی باین نیست که شرح حال ژان پل سارتر نویسنده و فیلسوف دوره حاضر فرانسه را بنویسیم...

چنگ جهانگردوم پایان یافت در حالیکه میانها نفر از بهترین فرزندان بشریت در راه کویین و محو کردن خطر مهیب فاشیسم در صحنه های میدان پیکار...

اخبار

در جلسه مخالفین دولت دکتر مصدق چه تصمیماتی اتخاذ شد - دانشجو نمایان توده ای برای تثبیت دکتر سیاسی امضاء جمع می کنند...

در جلسه یادبود شهدای عراق در حزب زحمتکشان:

مهدی امری گفت: کارگران و زحمتکشان ما که خود طعم تلخ سیاستهای استعماری را چشیده اند...

احمد امیری گفت: ما در همه حال همگام با دانشجویان بیدار عراق و سایر کشورهای استعمار زده در راه طرد استعمار مبارزه خواهیم کرد

سوء نیت شهربانی در مورد نهضت ملی و حزب ماروز بروز روشن تر میشود. افسر مامور انتظامات کلانتری ۴ دانش آموزان حزب را بشدت مضروب ساخت

سوز نیت شهربانی در مورد نهضت ملی و حزب ماروز بروز روشن تر میشود. افسر مامور انتظامات کلانتری ۴ دانش آموزان حزب را بشدت مضروب ساخت



جنگ تریاک ترجمه ع-ز مردیان درس ۲

تفسیر سیاسی ناوک

سبزه دولت آسیائی و عرب همچنان بگو شش خود در باره طرح مسئله تونس در مجمع عمومی سازمان ملل متفق ادامه میدهند

ما در تفسیرهای سیاسی سابق خود بمسال مربوط بمالک تونس و مراکش اشاره کرده و بقدرکافی در این باره سخن رانده ایم...

نیروی سوم چیست؟ نشریه شماره ۲ نشریه کمیون انتشارات سازمان جوانان حزب زحمتکشان ملت ایران فردا منتشر میشود

فقط الرجال آلبیو، و فقط الرجال روزنامه وقتی (نورما هتاب) جای سایه ((ارباب)) را گرفت شیر بر فی آب شد...

زمانی بود که اصطلاح (فقط الرجال) در زبان عوام، خیلی رسوخ کرده بود

شاید چه بسیار کسانی بودند که نه معنی (فقط) را میدانستند و نه معنی (رجال) را، اما هر جا که میخواستند اظهار فضل و مملوماتی کرده باشند...

دم خروس...! بدو پیری بودند که از مال دنیا الاغی داشتند و با آن میخواستند بجائی سفر کنند...

فرهنگ شهرضا باید برای دبستان شش کلاسه (دهنو) آموزگار بفرستد. مالک عمده (سه راه رود) از پرداخت صدی بیعت خودداری می کند.

علم وزندگی شماره هشتم ماهنامه با مطالبی از این نویسندگان: احمد آرام، خلیل ملکی، علی اصغر صدر حاج سید جوادی، ناصر و ثوقی، عزت الله شهیدا، م. ر. تبریزی...

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

[www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing](http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing).

قبول توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

تقسیم سیاسی

ملتهای تونس و مراکش برای طرد امپریالیسم خوش رنگ و ظاهر فریب فرانه پشدار میروند

پس از اینکه مردم-سان تونس و مراکش بردت مبارزات و مجاهدات خود افزودند فرانسویان مقیم این ممالک نیز اعمال سبانه و ضد بشری خود را تشدید کردند ۱۳ دولت آسیای و اسلامی مسئله را برای اقدام جدی و عملی شورای امنیت سازمان ملل ارجاع کردند ولی فرانسه بادیستاری امپریالیستی امریکایی و انگلیسی برپانه اینکته ( این مسئله از موضوعهای مربوط با امور داخلی فرانسه است و شورای امنیت نمی تواند در مسائل داخلی کشور ما مداخله پبل آورد ، از بهت درباره موضوع فوق خودداری کردند ) ولی وقتی که هفتین دوره مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک گشایش یافت ، دول مزبور موضوع رایج مجمع مزبور گشاید ، فرانسه نیز برای خنثی کردن مجاهدات ۱۳ دولت آسیایی و عرب مجددا دست بامان امریکاییان دراز کرد - ولی اینبار امریکاییان مستعد که ام آنها مسئله انتخابات امریکا و اینکه امریکا میخواست در مورد اشکالیکه فرانسه درباره ایجاد سپاه اروپایی پبل می آورد ، آن کشور را کوشالی داده باشد از قبول تقاضای فرانسه سر باز زد و آمادگی خود را برای مدافعه از حقوق حقه دو کشور مسلمان و افریقای مذکور اعلام کرد و از هم اکنون نمی توان پیش بینی کرد که آیا جمهوریخواهان نیز بر این عقیده پابندند یا خیر ؟

و حال برای تکمیل مطالب فوق خبری را که دیروز آسوشیتد پرس از نیویورک بخباره کرده بنظر خواننده گان می رسانیم ، نمایندگان سیزده دولت آسیایی و عرب تصمیم گرفتند که سازمان ملل ابلاغ کنند باید بهت در مسائل مراکش و تونس با حضور نمایندگان این دولت صورت گیرد این تصمیم هنوز بدیروانه مجمع عمومی ابلاغ نشده ولی نمایندگان سیزده دولت مزبور مشغول مذاکره با نمایندگان ممالک دیگر شده اند تا زمینه دابرای عملی شدن نظر خود مساعد کنند

در جلسه ای که دیروز با حضور نمایندگان این ممالک آسیایی تشکیل شد آقای انگازم گنت « مصالح مشترک ممالک شرق که برای دهم شکست بقایای استعمار مبارزه میکنند این است که از آرمانهای ملل افریقایستیبانی کنند ولی این مسئله تنها بلك موضوع منطقه ای و تازه ای نیست بلك می نوله و منظوری از روح ملت خواهی است و باین جهت انتظار ما اینست که کلیه کشورهای با همتا جریبات حساسی که در شمال افریقا وجود دارد متوجه گردند و نمایندگان فرانسه با رعایت سوابق عدالت طلبی و آزادیگی که ملت فرانسه بآن شهرت دارد پیش بروی و با اقتضای زمان توجه داشته باشند !

فکر دیگری که در کمیته نمایندگان ممالک آسیایی و عرب پیداشده این است که از مجمع عمومی تقاضا کنند از یک تونس و سلطان مراکش دعوت شود که موقع بهت مسائل مربوط باین دو کشور مشخصا در سازمان ملل حضور یابند

یکی از نمایندگان عرب گفت این کار یعنی حضور سلطان مراکش و بیگ تونس در جلسه مجمع عمومی از لحاظ آن که انتظار را بیشتر متوجه این مسئله سازد دارای فایده فراوان است ولی اقدام باید از اصطلاحه کافی صورت گیرد امپریالیسم اسلام براد باد شاهین که وزیر خارجه آن کشور نیز هست اظهار داشت :

«اچسن صریحا بن گفت که دولت امریکا عقیده دارد بهتر است که مسئله تونس و مراکش بطور دوستانه در خارج سازمان حل شود ... ولی نمایندگان دول عرب جدا بنظر دولت امریکامخالف هستند و با اقدامات خود برای طرح شدن این قضیه در سازمان ادامه میدهند » این بود خبری که خبرگزاری مزبور بخباره کرده است .

ما همانطوری که بارها اعلام کرده ایم قرن بیستم دیگر اجازه بهره کشی از ممالک های کوچک و تحت رقیبت نگاهداشتن آن هارا نمیدهد ، فرانسه نیز اگر تسلیم خواست قانونی و طبیعی این ممالک نمود ، بزور مجبور تسلیم خواهد گردید .

دم خروس

بقیه از صفحه ۱

مغایب قرار دادند که ای جوان چگونه حاضر شوی پیر مرد را و اداب به پیاده روی نمایی و خود سوار روی این سرزشت خواه و ناخواه در پس اثر کرد و پیر مرد سوار بر الاغ خود پیاده برآه افتاد ولی جماعتی به آنها رسیدند بهت از تارقاتی پدر را مغایب قرار دادند و گفتند چگونه حاضر شدی فرزندان دلبند خود را به پیاده روی و اداری و خود سواره روی :

ناچار پدر هم پیاده شد و برای این که از سرزشت مردم هر دو مصون باشند تصمیم گرفتند بدنبال الاغ پیاده روند تا بقصد رسدن ولی اینبار هم گروه مستغنی از توصیف به آنها برخوردند و گفتند هیچ مردمان احمقی هستد که بر الاغ حاضر و آماده سوار نشوید و به پیاده روی مشغولید ...

حالا حکایت این تازه بدوران رسیده هاست که معلوم نیست باید کدام حرف شان را عمل کرد و دل آن گروه را دادند که گاهی پیاده روی و گاهی سواره روی را تجویز میکنند و در عین حال هم با هر دو عمل مخالفتند

دردی تیر ملت ابرای برای آزادی و سرکوب کردن دشمنان خود قیام نمود و در این قیام تاریخی عده ای از مبارزین جان خود را از دست داده و شربت شهادت نوشیدند و ملت هم پس از پیروزی درخواست مسبین اینو اتمه را از وکلای خود نمود و در این بین عده ای آمدند و گفتند که ما خودمان باین کار رسیدگی میکنیم و کاری بکار دولت نداریم و در ضمن هم عده ای بیجلس مثال آوردند و در طرح اختیارات لازمرا بکمیونی که از مدتها پیش برای تعقیب قانونین تشکیل شده بود دادند ولی ما در همان اوان تذکر دادیم که با کمیون بازی نمیتوان مقصود مردم را اجرا نمود و باید کینه های نهضت ملی تشکیل داد تا مردم بتوانند در این امر نظارت کنند و در ضمن بتوانند از ثمرات قیام بفتح نهضت ملی برخوردار شد .

ولی چون تصمیم گرفته شده بود پیشنهاد ما مورد توجه قرار نگرفت و کمیون بریاست یکی شروع بتحقیق کرد و مقام ریاست مشی لازمرا از میان دوستان ۲۸ ساله خود که بیابوس جناب اشرف تشریف برده بودند انتخاب نمود و حقیر باین وضع امید بر یاس مبدل شد و حتم کرد که روزی این مسئله دستاویزی بر علیه دولت قسراد خواهد گرفت .

تا اینکه رئیس کمیون بر اثر فشار تحقیق به مرضی مبدلی شد و برای ممالجه ای در بیمارستان بستری گردید پس از عیادت های لازم به بودی یافت و مرخص گردید بیجلس تشریف آورد و پید آمدن تی شروع ببنی باقی کرد و مصدق فرمان را بسا چنگیز مقایسه نمود پیش در آمده های « ننه من غریبم » را در آورد و در همین ما بین هم طرخی برای تعقیب مسبین واقعه سی تیر در دستور قرار گرفت و در موقع بهت و کلا تمام کاسه و کوزه را بگردن دولت شکستند و معلوم نشد کمیون تحقیق چطور شد و وظیفه ای که برای این کمیون آقایان قائل شده بودند چه بود تازه بصحبت دخالت قوم مقننه در قوه قضائیه شد خلاصه عده مرعوب وعده مجذوب از آب در آمدند و دشمنان قسم خورده ملت موقع را مقننه شردند و در یک سکوت خانقانه وارد مجلس شدند و آنهاییکه برای شهبان سینه چاک میکردند طلاقشان طلاق نشد تا فریاد بکشند آقایان خون « شهبان را فراموش کرده » ای چیرا دشمنان ملت را به مجریان قانون امنیت اجتماعی نسیباید ؟

و اینقدر جار و جنجال باشد تا ناچار دولت از مجلس درخواست تصویب ماده واحده را برای تعقیب جناب اشرف نمود و رئیس کمیون تحقیق با شرط الحاق طرح مصادره اسماول جناب اشرف به آن رای داد و هیچ بصحبت دیگری نشد تا اینکه گویامثل ایشان به داخل ایطاقهای در بسته رفتند و صبح بیرون آمدند اطلاع دادند که غیر از آن چهار ماه بازر در انتظار باشیم تا ایشان « داستان » تنظیم شدن این ماده واحده دابرای ثبت در تاریخ بگویند حقیر بانهج خاصی در فکر فرو رفت پیش خود حساب کرد که چرا این آنرا در گفتن « داستانهای » زیر پرده اینقدر مسامحه میکند و شاید مثل آن وکیل بی موکل .. فیهید باشد که هرای مجلس برای سم باشی دشمنان ملت خفه کنند است و گرفته مسبین اصلی واقعه چیز بسیار ساده میباشد من که از اطافهای در بسته

فیروی سوم

گندو کاو روزنامه ها

بقیه از صفحه ۱

تاجائیکه ؛ نیدانم در مغل کدامیک از بزرگان ، وقتی صحبت از کبابی آلبو در شهر ، بیان میاید ، بکنفر از حاضرین ، بجای اینکه بگوید تعطی آلبو شده است ، میگوید قطع الرجال آلبو شده است !

این قضیه را ، اجازه بدهید قبل از آنکه مثل سایر قضایا بکنفر و کرداد دیگران تشبیه کنم ، بر خلاف معمول ، با حال خودم تطبیق بدم که دیروز ، وقتی بکنفر پرسیدم چرا پریروز اعتصاب کرده بودی ؟ باخاطره اینکه از قضیه قطع الرجال در ذهن خود داشتم ، جواب دادم :

برای اینکه قطع الرجال روزنامه شده است ...

بهمین جهت امروز مجبور شدیم به سراغ روزنامه های برویم که در این هفته از شهرستان های بریان آورده اند اسرار شرق که از سبزوار رسیده و انتقاد از دکتر مصدق را بقول خودش ، بتریف و تمجید از او ترجیح میدهد ، مثل اینکه از مشهوری های دل خوشی ندارد ، سبزوارها را در یک مقاله ، سخت مورد انتقاد قرار داده می نویسد :

«اصولما سبزوارها هنگام شروع بهر کاری خونخوردی بی اعتنا هستیم اگر دنیا را آب ببرد ، ما را خواب می برد خودمان جوش و خروش نداریم که سرب است . اگر رفیق با احساسات و برحرا دنی هم داشته باشیم از کار باز میادیم ، اینقدر دلیل و برهان و اینقدر بندها مثال برایش نقل میکنیم که او را مثل خودمان از کار باز داشته و بی اعتناء و خونخورد کنیم .

درست شباهت بیکهده چرسی و بنگی داریم که تا وقتی دور هم نشسته و قلیان چرس را در دست دارند خودشان را رستم داستان و افراسیاب یل میدانند ولی وقتیکه قلیان را بز زمین میگذارند و برای رفتن بی هدفی و مقصود آماده میشوند اندازمهتابرم میکنند قطره ای را دریایی تصور میکنند صدای گریه ای را نعره شیرینی انگارند و از عوعوسک زهره شان آب میشود ..

اولا - صورت خوشی ندارد که بکنفر سزوار می شهری های خوش را اینقدر مورد انتقاد قرار بدهد . و شلاق قلم بر سر دریشان بگوید زیرا هر چه باشد بالاخره خود نویسنده «اسرار شرق» هم در خاک پاک سزوار با پیر صمه وجود گذاشته و اگر حکم شود که مست گیرند - در شهر هر آنچه هست گیرند

تایا نباید باین طرز عیبجویی در میان مردم ، تقسم یاس و بد بینی باشد و آنها را در دل مردم ساخت . یکی از «تخفه» های بوژنگان دریائی همین بود که هه را نسبت بهم بدبین میکردند و برای هر کدام ، از زبان دیگری ، عیب می تراشیدند

واژ زیر پرده ها بدورم تصمیم گرفتم راه را بشما نشان بدهم تا خودتان را بگوچه علی چه نزدیک وقتی بیجلس تشریف برید بر کرسی و کالت مستقر شدید به چه و راست و پشت سر خود نگاه کنید حتما مسبین واقعی را خواهید یافت وقتی شناختید بکنسر چاره بقیته .

بهذاذین حقیر به نزدیکی از دوستان وارد سبای خود رفتن این کمیون را با او در میان گذاشت جواب شنیدم که مصیبتی را که بر جون بول وارد شده خیلی زک است کتم خوب بیاچه با عصبانیت خاصی گفت ساکت باش بین چه میگویم ما هم ساکت شدیم او ادامه داد

درب سفارت کل گرفته شد سنما هم به بوزه رفت مصدق هم مشغول محکم کردن وضعیت داخلی شدو باین اوضاع دولت علیا حضرت آخرین امیدش بیاس مبدل گردید نوکران سرسپرده خود را که مدتی است بسوراخته بودند بدنبال با مصالح مجذوبین نهضت فرستاده تا شاید بتوانند نتیجه بگیرد و تا اندازه ای هم در مجلس موفق شده ولی از من بنظا هرین بگو که اگر تا به امروز مورد احترام بوده ها بودید از جهت هباهنگی شما یا نهضت بود و گرنه با آتش بازی کردن کار خطر ناکی است و برتر سید و از سر نوشت عبدا قدری خان پند بگیرید

تا بدین وسیله «تفرقه بیندازنده و حکومت کنند»

تا نا - خصوصیتی که در مورد سبزوارها با تشبیه آنها به آدمهای چرسی و بنگی ذکر شده است ، ممکن است فقط درباره بعضی از آنها ، مثلا در باره آدمهایی مثل عبداقدرخان آزاد سزوار می ، صدق کند و گرنه تمام سبزوارها این طور نیستند .

دایما تصور هم نبود که آدمهای چرسی و بنگی ، آنطوری که «اسرار شرق» مینویسد :

«وقتی دوهرم نشسته و قلیان چرس را در دست دارند خودشان را رستم داستان و افراسیاب یل میدانند ولی وقتیکه قلیان را بز زمین میگذارند و برای رفتن بی مقصود و هدف آماده بشوند ، از مهتاب دم میکنند»

زیرا همین چند روز پیش بود که تریاکهای سازمان شاهنشاهی در کانون کارو آسایش علیه «کارو آسایش» قیام کردند و بابک «جنبش مردانه» تمام در و پیکر هارار ابروی مامورین انظامی بستند و سنگر گرفتند با وجود اینکه همگی « قلیان خودشان را بز زمین گذاشته بودند»

مهذا تاشش ساعت در بسرا بر یورش قزاقها مقاومت ورزیدند آنها تیکه در حرف ؛ از رستم دستان و افراسیاب یل ، پهلوان تره سفند ولی در عمل ، حتی از مهتاب هم رم میکنند ، پیشواری ها و و شاعران مکتب «دمکرات فرقه سی» می باشند که تا وقتی سر سیزه ارتش سرخ بر بالای سرشان سایه افکنده بود ، سر - با سمان سایه سالیند اما همین که «نور مهتاب» جای «سایه ارباب» را گرفت ، میومیوی گریه بخیاشان نهره شیر آمد و « شیر برفی» بجای این که از تابش نور خورشید آب شود ، از تابش نور ماه آب شد !

زنده باد ملت عراق ..

درباره قیام ملت عراق باز هم روزنامه هامطالبا نکاشته اند «سربر» با اشاره باین قیام ، مینویسد :

«چهارمخبران باید از این طغیانهای بی دردی زنجیر کشندگان درس عبرت گرفته و خود در رویه غلط ضد انسانی خویش تمذیلی روا فرزند والا اگر تمام افراد کشور انگلستان پاروسی با امریکا سر باز شونده و بشام این نقاط اعزام گردند نمی توانند جلوی خواسته های ملت های آزاده کیتی را بگیرند و طوق رقیبت بوندگی را برگردن آنها استوار سازند . آن زمان که انگلستان توانست مردم هندوستان ، سکنه افریقا و ملت استرالیا و سایر نقاط دنیا را استعمار کند عصرات و قرن علم و دانش نبود و در شهرها و دهات عده با سوادان انگشت شمار بودند و نورد در خسته علم و هنر و نغمه زنده کننده دموکراسی روح و جسم افراد بشر را تحت تاثیر خود قرار داده بود .

در این دوران فکر استعمار ملت ها فریفتن اقوام و ملل تحت هر عنوان و هر مسلک فکری است احقانه و راهی است که بترکستان ختم میشود .

«شهباز» بهمین مناسبت ، علاوه بر بیانیه ای که بصحبت «ملی» درباره وقایع عراق انتشار داده بار دیگر دست به «دعوت عام» زده است و رسما به «آغاز کاشانی» حرب ایران - مجمع مسلمانان مجاهد دیرخانه جبهه ملی» پیشنهاد کرده است که «میتینگهای مشترکی ... در سراسر ایران ترتیب داده شود» و اضافه میکند : «نمایندگان جمیعت ملی مبارزه با استعمار برای مذاکره درباره جزئیات امر آماده بوده و در هر جا و هر وقت که نمایندگان شما نیز آمادگی خود را اعلام کنند حاضر بگذاره میباشد»

ملاحظه کنید ، مباحث آقایان با کسانی که تا دیروز آنها را «کارگر کش» و «مزدور» و «اربابی» میخواندند بجائی رسیده است که فلاحیت اختیار خودشان را هم بدست ایشان میسارند و حاضرند «در هر جا و هر وقت» که نمایندگان آنها اعلام کنند با «موتلین» خود برای تشکیل «میتینگ مشترک» بگذاره بپردازند .

ترجمه ع - زهره یان

جنگ تریاک

انگلیس ها برای دست گرفتن اقتصادیات چین و ایجاد بازارهای تازه برای صادر کردن از هندوستان و مخصوصا تریاک انگلشور

کشتی های جنگی خود را در مقابل بنادر چین آوردند و جنگ های تریاک را آغاز نمودند . جنگ های تریاک نمونه دیگری از خواسته های بریتانیای صغیر میباشد

از این مال بود که تمدن قدیمی چین در زیر گرد و غبار آتش توپ های انگلیسی در جریان اولین جنگ تریاک پنهان شد .

در قرن هجدهم ، در زمان سلطنت امپراطوران کانگ - هی و کین - لونگ ، چین در منتهای درجه ترقی از نظر فرهنگ و تمدن و هنر بود . در اروپا بخصوص در بریتانیای کبیر اشیاء و مصنوعات چینی با استقبال عجیبی روبرو می شد .

نقاشی ، اناتیه ، چینی آلات کافه های رنگی برای پوشش دیوارها ، پرشم و چای رسیده از چین خیلی رونق و رواج داشت و بهیت خوبی بفروش میرسیدند .

انگلستان پس از آسوده گشتن از جنگ بر علیه ناپلئون ، فرمانروایی دنیا را در دست گرفت و پیشقدم انقلاب صنعتی بود ، علاوه مقدار زیادی مال التجاره داشت و حوس میکرد که آتقد باید برداشته ترقیات و وسعتش بیفزاید تا وقتیکه از یافتن بازارهای فروش خوب ، مسطمن کرد .

چین در این موقع در انزوا و تنهایی بسر میبرد . و حتی سفیر و نماینده ای بهیچ کشوری نفرستاد .

از نظر تجارت خارجی اجازه ورود مختصری کالا ها که آنها میبایست فقط در بندر کانتون وارد شود داده بود و خارجا ها در بندر کانتون جز این امتیاز کوچک و ناراحت چیز دیگری نداشتند بهمین مناسبت فعالیت تیکرند و نمیتوانستند کاری کنند و معاملات فقط بدلائی عده ای بازرگان که توسط حکومت چین تعیین شده بودند انجام میکردت ،

انگلیسا بسختی مال التجاره شان را وارد بازار محلی میکردند و برای متبادل کردن فرادادی که با چین بسته بودند هر سال مقایره قابل ملاحظه ای نقره می برداختند .

آنها این فلز قیمتی را از هندوستان که در آنجا بوسیله کبابی هند شرقی حکومت میکردند می آوردند ، کبابی انحصار محصول تریاک هند را داشت و تجارت انگلیس نیز در منطقه کانتون بطور عمده بوسیله آن کبابی انجام می شد .

چطور میتوان تامل تجارتی با چین برقرار کرد و جریان نقره هارا که در این مملکت میریزد عوض کرد ؛ برای این سوال انگلیسها زود جوابی پیدا کردند و آن فروختن صندوقهای بزرگ تریاک هند ، چین بود .

هلندها در حدود یکبار و شصت و پنجاه صندوق این دروی محض را وارد ترنز کرده بودند و طرز استعمال آن را نیز آموخته بودند و این عادت زشت نیز در قاره چین منتشر شد .

در سال ۱۸۰۰ یک فرمان امپراطوری کشت خشخاش سفید وارد کردن تریاک را با امپراطوری مرکزی چین قذف کرد . اگر کبابی هند شرقی آتوت صدور مستقیم تریاک را بچین ادامه نیداد تریاک را که از موسسات هند بدست می آورد بدون مشتری میباند .

این عمل باعث ورود تریاک بطور قاچاق بچین و شیوع آن گردید از سال ۱۸۲۱ این تجارت نامشروع بطریق دقیق ترین اداره و گردانده میشد .

بک جزیره کوچک کوهستانی ، عاری از تشکیلات بندری ، در وسط خلیج کانتون بود ، دوپناه این جزیره کوچک که لین تین نامیده میشد انگلیسها سه انبار بزرگ دریایی که هر کدام مسلح به ۲۰۰ توپ بودند ، بنام «کشتی های تریاک» وارد کردند و صندوق هایشان را تخلیه کردند .

تریاک که در صندوقها حمل شده بود در آنجا قاچاقچیان چینی در کیسه های کوچکی ریخته و در کشتیهای مخصوص خود انبار میکردند و مغیانه بفتکی می بردند و ضمنا مامورین دولت هم که حق بقیه در صفحه ۳

در بین بنادر زیبای جنوب چین - هونگ کونگ مانند گوهی میدرخشد . هونگ کونگ بش از صد سال است که در اختیار انگلستان قرار دارد ر تا کنون هم دولت کولیت چین بکنر بیرون کردن این مهمانان و غاصبین منفور نینتاده اند زیرا چون رسما در کسره یا دولت امریکا در جنگ میباشد نیخواهند کاری انجام دهند که منافع انگلستان هم مستقبا در خطر افتاده و او هم جدا با همکار امپریالیست خود بر علیه آنها داخل جنگ شوند .

در هونگ کونگ نزدیک به ۱۰۰۰ نفر انگلیسی و در حدود ۲ میلیون چینی زندگی میکنند .

بندر مزبور از ۱۸۴۱ یعنی از هنگامیکه بتصرف انگلیسها در آمده ، بک منبع ثروت افسانه ای برای آنها شده و از این جزیره مانند یک پایگاه برای وارد کردن تریاک برخلاف قانون استفاده میکند .

سال گذشته انگلیسی ها مزایا و درآمد زیادی از معامله با چین کولیت بدست آوردند و چین هم تمام وسائل و مواد اولیه ای را که برای جنگ کرده مورد نیازش بود از آنها خرید .

معمدا ، بر روی آینه این تجارت برسر د خطری سنگین میکند و آن را در معرض تهدید قرار میدهد .

کولیت های چین و تمام چینی ها بدون استثناء مصمم هستند بالاخره هونگ کونگ را از انگلستان بگیرند ، این فکر و آرزو در افکار ملی این کشور بطور عینی ریشه دواینده و چینی ها همگی معتقدند که در حقیقت هونگ کونگ نشانه اهانت و رنج هائی است که کشورشان از ۱۸۳۹ بیدد لای تقطع تحمل میکنند

البته حالا که بشکلی «جبهه مشترک» موفق شده اند برای تشکیل «میتینگ مشترک» بکوشش برخاسته اند ... همین روزنامه در ستون اخبار خود ضمن اشاره بظواهرات دیروز مردم توران ، تحت عنوان « آخرین خبر از وقایع اهتصاب امروز» مینویسد :

« در آخرین ساعت خبر رسیده که پلیس و سرباز دانشگاه را از صبح محاصره کردند ...

البته بادر نظر گرفتن اینکه مطالب «شهباز» هم قاعدتا صحیحا باید تهیه بشود و بیاجازه نبرود ، اطلاق «آخرین خبر» بعبیری که وقوع آن در صبح صورت گرفته است مثل اینست که خیلی ناشایانه باشد !

این خبر هم از اطلاعات دیشب جالب توجه بود :

« پاریس - جراند کولیت اعلام داشته اند که تا بلو پیکاسو نقاش معروف فرانسوی کبوتر صلح جدیدی برای کنکره صلح که از طرف پیران استالین دروین تشکیل خواهد شد مطرح کرده است . کبوتر سابق کبوتر چاقی بود که شاخه زیتون بر منقار داشت و روی شاخه ای نشسته بود .

لیکن کبوتر جدید با اینکه چاقی است بالهای خود را گسترده و در حال پرواز دیده میشود و شاخه زیتون هم که علامت صلح و صفاسات بر منقار ندارد نکته ستیجان اظهار عقیده میکنند که اقدام پیکاسو اقدامی بر مبنی میباشد و در واقع وی با این تغییر خواسته است کبوتر صلح سابق را منطبق با حقایق و واقعیت سیاست شوروی کند»

خدا عاقبت این «صلح» را بپذیر کند بیچاره کبوتر استاد پیکاسو ، از پس چشش به توپ و تانک افتاده ، شاخه زیتون از منقارش رها شده و خودش فرار را بر قرار ترجیح داده است !

کند و کاوچی

# لباسهای فصل برای تمام طبقات، پارچه خوب و قیمت ارزان در جنرال مدلاله زار گوچه برلن تلفن ۳۲۹۹۲

آندره ژید « ۱۰ » ترجمه جلال آل احمد

## بازگشت از شوروی

این ترجمه را بچشم هائی که هنوز بسته است هدیه می کنم

ج . آ . ج

ولی به صورت این مسئله باقی است که در اتحاد جماهیر شوروی دیگر خبری از استبداد ممتنعی از مردم نفع یک چندان وجود ندارد. و این خودش مسئله بزرگی است. در شوروی دیگر صحبت از سهامدار یا سهامداران نیست بلکه صحبت از خودکارگران است - (البته پیداست که درین مورد صحبت از کارگران کشاورزی کلغوزهاست) - که عایدات را بدون نظر گرفتن هیچگونه سهمی برای دولت میان خود قسمت میکنند (۱) با این طریق بسیار عالی خواهد بود اگر کلغوز های فقیر و بی چیز دیگری وجود نداشته باشد که مجبور باشند در آنها سرونه قضا را بکنند و خود مغفاری داشت و هرگز صحبتی از کمکهای متقابل کلغوزهای مختلف بیکدیگر در میان نبود شاید هم من اشتباه کرده باشم؟ و امیدوارم که راستی در این مورد اشتباه کرده باشم (۲) من بسیاری از منازل همین کلغوزها را بازدید کردم. همین کلغوز پر برکت و بر محصول (۳) ... و در همین میخواست وضع داخلی هر یک از این «خانه» ها را که اثر هیچبند و غم انگیزی که در انسان باقی میگذارد و صفت کم. مشخصه تمام این «خانه» ها یکنوع امحاء کامل شخصیت بود. در هر یک از خانه ها همان اثاث الیبت محقر و بیست، همان تصویر استالین مبهود و وجود داشت و غیر از این واقعا هیچ خبری نبود. نه کوچکترین شیشی اضافه بر برنامه ای و نه کوچکترین یادگار و خاطره ای از شخصی یا گذشته ای. هر خانه ای را میشد از داخل بجای خانه دیگری گرفت بعدی که حتی خود اهالی کلغوز - که آنها را نیز میشد بجای یکدیگر گرفت و هر کدام را با آن دیگری اشتباه کرد - نیز بی آنکه بفهمند می توانستند تغییر خانه بدهند و بجای این خانه مثلا در آن یکی بسر ببرند. (۴)

مسئله خوشبختی را با این طریق باسانی خیلی بیشتری بدست می توان آورد و توضیح دادند که با این طریق یک عضو کلغوز میتواند بنام شادانها و لذت های خوشی بصورت دسته جمعی برسد. و اطلاق چیزی جز لذت ای برای خوابیدن نیست. چرخه ای که باید در آن خفت، تمام منابع زندگی او و تمام مسائل اساسی حیاتش در باشگاهها در باغ فرهنگ ها و در جلسات حوزه های میگذرد. چه چیزی بهتر از این میتوان آرزو کرد؟ خوشبختی اجتماعی فقط از این راه بدست می آید که بتوان شخصیت و امتیازات شخصی را از افراد گرفت. و این خوشبختی عمومی نیز جز بحساب یک یک افراد و جز بخرج آنها بدست نخواهد آمد. برای اینکه همه خوشحال و خوشبخت باشند شبیه یکدیگر بشوند.

### ۳

در اتحاد جماهیر شوروی یکبار برای همیشه و از قبل باید در نظر گرفت که در مورد هر چیز و هر مطلبی یک عقیده بیشتر نمی توان داشت و نمیتوان دید. گذشته از این مردم شوروی افکارشان بقدری ساخته و پرداخته شده است که حتی این یکسانی و شباهت کامل افکار و عقاید و ظواهر زندگی نیز بنظر شان ساده، طبیعی و غیر محسوس می آید. تا جایی که من حتی گمان نمیکنم تصنیف درین مورد وجود داشته باشد. آیا واقعا مردمی این گونه بودند که انقلاب را پیروز ساختند؟ نه اینها آدمهای هستند که از انقلاب استفاده میکنند.

هر روز صبح «پراودا» آنچه را که شایسته دانستن و اندیشیدن و باور داشتن است با آنها می آموزد. و خارج شدن از این قاعده هم عاقبت زیاد خوبی ندارد بطوری که هر بار بایک روس سر صحبت را باز کنید در دست مثل این است که دارید با همه شان حرف میزنید: نه اینطور گمان کنید که هر کدام در باور و عقایدشان تفاوتی بیرونی کنند. نه ولی مسائل جزئی ترتیب داده شده است که اصلا نمی تواند شبیه دیگران نباشد. تصورشان را بکنند که این طرز ساختن و پرداختن کردن آراء و عقول مردم از ابام طفولیت در باره هر کس اجرا شده باشد. ... فرمانبری و حرف شنوایی و قبول همه چیز که وس هادارتند و گاهی خارجی ها را سخت به تعجب می افکند از همین جا ناشی می شود. و نیز خوشبختی ها و رجحان هائی که مردم شوروی برای خود قائلند و راستی خارجی ها را از کشتن بدهان میگذارد نیز از همینجا سرچشمه میگیرد.

تا که خارجی هستی - گله میکنی که چرا اهالی اتحاد شوروی ساعت ها باید صف بپندند و در انتظار هر چیزی که میخوانند بایستند ولی آنها خودشان این انتظار کشیدن را امری بسیار طبیعی میدانند - نان، سبزی، میوه و هر چیز دیگری بنظر تو نا مطبوع و بد و خراب میرسد ولی در اتحاد شوروی غیر از همین نان و سبزی و میوه بدست نرسد.

(۱) این مطلب را افلا چندین بار برای من تایید کردند. ولی من تمام این گونه اطلاعات را تاموئی که وادسی دقیقی در آنها شده باشد بکش تلقی میکنم درست همانطور که در باره اینگونه اطلاعات مربوط به مستمرات باید کش کرد. خیلی بزحمت می توانم بپذیرد که این کلغوز بخصوص دانسته باشد رجحانی بدست بیاورد مثلا از ۷ در صدی که تمام کلغوزها بدولت میدهند رهائی یافته باشد. صرف نظر از امالیات سرانه ۳۵ ۳۹ روبلی که هر فرد باید بدهد.

(۲) در قسمت ضمیمه کتاب اعداد و اطلاعات دقیق تری درین مورد خواهم آورد از اینکه اطلاعات خیلی بدست آورده ام. ولی اعداد و رسیدن بکار آنها کار من نیست و مسائل کاملا اقتصادی و فنی خارج از صلاحیت من است.

گذشته از اینکه اگر این اطلاعات و اعداد بدست همانهایی باشد که در آنجا بن داده باشند نمی توانم اصولا صحت و دقت آنها را تضمین کنم. عادت به اوضاع مستمرات متنفر بودن از این نوع اطلاعات را بن آموخته است. باز گذشته از اینکه در باره اینگونه مسائل اقتصادی و فنی بسیاری از اصحاب نظران عقایدی اظهار داشته اند دیگر لازم نیست من آنها بپردازم.

(۳) در بسیاری از دیگر کلغوزها اصولا مسئله خانه و محل سکونت مطرح نبود همه مردم در خوابگاه های عمومی می خوابند و همه «هم اطاق» بودند.

(۴) این بی شخصیتی هر فرد شوروی بن اجازه میدهد که حتی تصور کنم تمام آنهایی که در خوابگاهی با هم می خوابند از اختلاط زیاد و از هم امکان جمع وجود زندگی بسیار کمتر میبرند تا آنهایی امکان زندگی و خواب و زخوارک افرادی برای آنهاست و این امحاء شخصیت که در شوروی گویا بنام مظاهر زندگی تسلط یافته است آیا می تواند بعنوان ترقی و تکاملی تلقی بشود؟ اگر نظر من را بخواهید من که گمان نمی کنم.

باطلاع عمومی مشترکین میرسد  
در صورتیکه حد اکثر تا ساعت ده صبح روزنامه شما نرسید بتلفن شماره ۳۵۶۵۰ اطلاع دهید.

اداره فیروئی سوم

### بقیه از صفحه ۱ اخبار

درواز صبح هم عده ای دانشجو نما جلوی در دانشگاه اجتماع نموده و میخواستند که وارد دانشگاه شوند اتفاقا در بزرگ دانشگاه که از اول سال تحصیلی تاکنون بسته بوده و دانشجوین از در کوچک رفت آمد میکردند فلان باز و دانشجو نمایان بدون کوچکترین ممانعت از طرف اولیاء دانشگاه داخل دانشگاه گشته و شروع بنظواهرات علیه دولت نمودند در این ضمن شمار هائیکه قبلا در اینبار لوازمت دانشگاه پنهان شده بود بیرون آمده و بطور دموستراسیون از خیابان شاهرضا بست چهار راه پهلوی پراه افتادند تعداد تظاهر کنندگان به دوست تقریباً نود میشد موضوع جالب تر اینکه مردم غیور عراق که جلوی تانکهای انگلیسی و آمریکایی سینه خود را سرمیکردند عکس مصدق را در دست داشته و همه جا فریاد زنده یاد مصدق تهرمان میکشیدند ولی این جمع ۲۰۰ نفری که به «خواهواهی» از آنها برخاسته بودند بمصدق نقش داده و او را عامل امریکا می خواندند این آقایان با بنهم اکتفا نکرده و یکی از دانشجو هائی را که روی پست پزیرین فریاد زد زنده یاد مصدق مورد حمله قرار دادند.

**دستهائیکه در نیروی هوائی بکار افتاده است**  
با اینکه جناب آقای نخست وزیر چندین مرتبه تاکید نموده اند که در نظر ندارند از حقوق و مزایای مستخدمین دولت چیزی کم کنند ولی مشاهده میشود که در نیروی هوائی دستهایی برای ناداشی کردن افسران بکار افتاده و دستور داده اند که مزایای افسران در درجه داران را قطع کنند.

باید در نظر داشت که نباید افسران نیروی هوائی را که از شریف ترین افراد کشور می باشند و در مقابل وجه ناچیزی که بنوای حقوق دریافت میدارند و هر ساعت با خطر مواجه هستند بیشتر از این لاسرد نمود.

بطوریکه اطلاع یافته ام در روز جلسه مخالفین دولت در منزل یکی از وکلای «ملی» تشکیل و در باره مجلس امروز تصمیماتی گرفته شده است بقرار اطلاع یکی از حضار پیشنهاد میکنند که مجلس بهیئت دولت اختصار کنند که اگر در جلسه علنی مجلس شرکت نکنند مسئول حوادث آینده میباشند ولی این نظر با مخالفت آقای خواجه نووی و سیدضیاء مواجه میشود. از قرار معلوم در این جلسه تصمیم میگیرند که یکی از وکلای «بیطرف» میانه گیری کند و قضیه را خاتمه دهد ولی ملت ایران این خوش رقصی هاد را فراموش نخواهد کرد.

### جریان تعطیل دیروز تهران

دیروز صبح تمام دکاکین و بازار تهران برای اظهار همدردی با برادران غیور عراقی بسته بود نظر باینکه تهران حکومت نظامی بود مردم در خیابانها قدم میزدند و بعضی دستجات در اتومبیل هائی که قبلا تهیه کرده بودند با صدای «مرکب بر دولت استعمارگر انگلیس» و «مانایای جان با برادران عراقی خود همراهی خواهیم کرد» اظهار همدردی میکردند از طرف مجمع مسلمانان مجاهد و کمیته جوانان بازارگان و اصناف تهران در مسجد ارك مجلس تکراری برپا بود و حضرت آیتاله کاشانی نیز در آن مجلس شرکت نمودند.

### در اصفهان يك افسر شهربانی به جرم کشف يك قه ارخانه توقیف شده است

بطوریکه مغبوما از اصفهان گزارش میدهد رئیس کلانتری (یک) اصفهان موفق بشکفت یک قه ارخانه متعلق به بعضی از «رجال» و متنفذین محلی میگردد بواسطه این بی «قانونی» افسر مذکور توقیف کرده و بعد از اترشاد افکار عمومی آزاد می کنند.

مردم اصفهان روز پنجشنبه جلوی کلانتری جمع شده و بناظواهرات خود افسر مذکور را استقبال میکنند.

ماضین اظهار تأسف نسبت باعمال خلاف رویه شهربانی اصفهان از مقامات مسئول تقاضای رسیدگی باین امر را داریم.

### آیا میخوانند اتحادیه قلابی بنام هنر پیشگان بسازند ؟

بقرار اطلاع «واحد» عده چند نفری هنرمند نما که ژست و اطوار خود را «هنر» تحویل مردم میدهند و از این راه به پیشرفت مقاصد ارباب کم میکنند در صدد تشکیل «اتحادیه ای» بنام هنر پیشگان افتاده اند.

چندی قبل دو نفر از این دارو دست بنام امینی و خاشع بتآتر کیتی مراجعه و برای هنر پیشگان مواجه میشوند و ناچار آن تماشاخانه شروع تبلیغ میکنند ولی بانترشید هنر پیشگان موافقتی که در برابرشان شده تهدید میکنند.

آری آقایان صاحبان «منطق دیالک تیک»؟ هر کجا تیرشان بسنگ میخورند دست بدامن «چاقو و چماق میبرند».

### آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۹-۳-۳۱ بنا به درخواست حصر وراثت نصرت شرفام بشرح دادخواست ۵۱۴۳۱-۵ بستند رونوشت شناسنامه و پرسننامه و رونوشت خلاصه مرکب بدین توضیح که مرحوم نصرا له شرفام شناسنامه شماره - در تاریخ ۳۰-۱۲-۲۰۳۰ در تهران جایگاه دائمی خود فوت نموده و حین الفوت ورثه او عبارتند از یک میمال بنام نصرت شرفام متقاضیه شناسنامه ۶۴۲۲ و یک پسر بنام علی اکبر شرفام شناسنامه ۶۴۳۰ و چهار دختر بنام بانوان ملیحه شرفام شناسنامه ۶۴۳۲ و آفاق شرفام شناسنامه ۶۴۳۱ و فاطمه شرفام شناسنامه ۲۵۰ و زهرا شرفام شناسنامه ۲۸ و غیر از این وادنی ندارد شنبه ۲۵ دادگاه بخش طهران در ساعت فوق العاده تحت نظرامضا کننده زیر تشکیل است با استماع گواهی گواهان مراتب ۱۳ نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و یکی از جراید محلی با کمی مسی رسانند چنانچه کسی اعتراضی دارد با وصیتنامه از متوفی در دست داشته باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف ۳ ماه بدادگاه تقدیم نماید با انقضای مدت هر وصیت نامه جز رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و گواهی صادر میشود

رئیس شعبه ۲ دادگاه بخش طهران ابوالقاسم طباطبائی

### هر خانواده علاقمند باید بخواند

## درس زناشوئی

فردا در دست روزنامه فروشها است - ۱ - ۴ - ۳

یزودی چاپ دوم

نقش شخصیت در تاریخ

ترجمه خلیل ملکی

از طرف کتابفروشی توکلیان و ح - سکاکی منتشر میشود

با اتو کارهای گیتی نورد بشمام نقاط مسافرت کنید

## جنگ تریاک

بقیه از صفحه ۲

حساب کافی میکردند چشم هایشان را بسته و این موضوع را نادیده می انگاشتند. بدین ترتیب تعداد صندوقهای تریاک که بطور غیر قانونی وارد چین میشد از ۲۰۰۰ صندوق در سال ۱۸۰۰ به ۱۸۰۰۰ صندوق در سال ۱۸۳۶ رسید باید گفت که آن وقت جریان تریاک بهسک شده بود و تریاک آنقدر ترقه از چین خارج کرد که توازن نرخ مهابدا مورد تهدید قرار گرفت، در آن موقع امپراطور قه قیام که سلامت جسمی و روحی کارگزارانش خراب شده و هر سال بیشتر میشود و چنانچه سه بمل فاجات چینیان تریاک خسته داده نشود بحران اقتصادی وحشت آوری مملکت را در خطر تجزیه و هرج و مرج میاندازد بعضی وقوف باین حقیقت امپراطور فوراً یک کمیسیون مخصوص عالی رتبه و پاکدامن و فساد ناپذیر بنام لین-سه-هسو بکانون فرستاد.

در مارس ۱۸۳۹ لین از بازرگانان انگلیسی مقیم منطقه کانتون تقاضا کرد که در مدت سه روز تمام تریاکهای را که در اختیار آنهاست تسلیم حکومت کنند، در صورت امتناع تمام تریاکها ب انگلیسی ها که آنها هستند اضافه جای و ابریشم شان توقیف خواهد شد.

کاپیتان ایوت، افسر نیروی دریایی انگلستان بنام کنتی های تجاری انگلیسی دستور داد که در نقطه مناسبی از هنگ کنگ مقابل لین تین جمع شده لنگر بیاورند و یگانه کنتی جنگی انگلیسی که آنوقت در آبهای چین بود ماموریت حفظ تجارت را عهده دار شد.

کمیسیون لین بنظر باسوخ بدین عمل دستور محاصره خلیج را صادر کرد کاپیتان ایوت در ۲۷ مارس تسلیم شد ۲۰۰۰۰ صندوق تریاک موجود در این حکومت و گذاشت که فوراً بدستور لین مدموم و از بین برون.

لین میدانست که فقط محصول تریاک ۳۸ - ۱۸۳۹ از بین رفته ولی محصول کشت سال دیگر هنوز در رسیدن از هند تاخیر شده.

بدینجهت همانوقت تصمیم گرفت که بلکه ویکتوریا نامه ای بنویسد و از او بخواهد که دستور منع کشت خشخاش را در هند صادر کند.

بدینخانه، پارلمان انگلیس موافقت رسمی خودش را با تجارت تریاک در پوشش تصویب تصمیم زیر بنهان کرد: «بنظر من رسید که صرف نظر کردن از این منبع عایدت منطقی باشد زیرا از لحاظ اهمیت تاریخی انحصار تریاک کبانی هند شرقی در بنگال است».

پارلمنتون، در آنوقت مقام مشاور دولت را در وزارت امور خارجه عهده دار بود ایوت از او باسرا در زیاد تقاضا کرد که دولت باید در این موضوع «دخالت جدی» کند.

نا بود کردن ۲۰۰۰۰ صندوق تریاک موجب بالا رفتن سریع قیمت آن شد فاجات چینیان انگلیسی تسلیمات کنتی هایشان را زیاد میکردند و دستجاتی از دزد های دریایی برای حمل محصول جدید بهشکی تشکیل میدادند.

ایوت اسرار میورزید که بریتانیای کبیر در هنگام لزوم باید با فرستادن نیرو بنظور مخالفت با حکومت چین و تسلیم آن یکمک بشناید.

در ۲۱ اوت ایوت کولونی انگلیسی های منطقه کانتون را در کشتی هائی که در هنگ کونگ لنگر انداخته بودند جمع کرد تا از حفاظت آنها مطمئن شود زیرا در آنجا می بایست وقایع مهمی روی دهد.

عکس العمل کمیسیون لین این بود که ب مردم چین دستور داد بر نشینان کشتی ها آذوقه و آب شیرین نفرورند در ضمن ۳ کشتی جنگی چینی نیز عهده دار نگهبانی دهانه شط کانتون مقابل کولون روبروی هنگ کونگ شدند.

همالی کولون نیز از دادن آذوقه و پوشاک با انگلیسیان خودداری کردند. ایوت در ده سپتامبر ۱۸۳۹ فرمان آتش بسوی کشتی های چینی را داد بدین ترتیب آغاز اولین جنگ تریاک اعلام گردید.

در پنهان، پارلمنتون بحکومت هند دستور داد که بود که کشتی جنگی و کشتی بخاری مسلح که ۴۰۰۰ سرباز حمل میکرد برای اشغال کانتون و مصب

احتیاج کانتون را در محاصره بگیرد

صاحب امتیاز: اسماعیل زاده
مدیر مسئول:
علی اصغر صدر حاج سید جوادی
سر دبیر: علی اکبر بدیعی
تک شماره ۴ ریال

پیروز می شود
۱۲ ربیع الاول - ۳۰ نوامبر ۱۹۰۲
جای اداره بالای یمه کوچه
بدیعی تلفن ۴۵۶۵

بهای اشتراك: سالیانه ۴۰۰ ریال ، ششماهه ۲۴۰ ریال سه ماهه ۱۴۰ ریال

استعمار در شرق محکوم شده است

بقیه از صفحه ۱
عده بود متوقف نگردد نیروها کار او را ادامه دادند سیل طردکننده نهضت هند به پیش رفت و بیروز شد و نقشه ها نقش بر آب گردید.

نقطه نهضت ما از سالها قبل بسته شده بود منافع شرکت سابق با همه منافع هم طبقات ملت ما تضاد پیدا کرده بود دهه جا برای همه پیرزنان دودک دین پیر مردان خیش بدست این جنس بوجود آمده بود که باید رهائی یافت

اما می بایست حلقه اصلی زنجیر ریانت و برید این حلقه شرکت سابق نفت بود می بایست گسسته شود از همین رو بود که ملت ما با یک جهش مردانه با یک جنبش رهائی بخش زیر پرچم سرایزه پلیس ها و سربازان سپید نقید آن چنان ایستاد و عظمتی از مبارزه خود نشان داد که دنیا را به بهت و حیرت واداشت شمار ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور از لابلای همه سانسورها و محیط خفقان آور دیکتاتوری رژیم آذره گذشت و بین توده دهقانان روستائین میان کارگران کارخانجات دانشجوین و دانش آموزان گسترش یافت همه تلاشها جیس و زجر تهدید و فشارها برای جلوگیری و خفه کردن و جلوگیری از رسوخ و نفوذ جنبشی که بوجود آمده بود بجای نیل رسیده بالاخره رژیم آذره رفت و بدینال او شرکت حامی او هم طرد شد زیرا دیگر ملت ایران تحمل حکومت رژیم آذره را

ادامه غارت شرکت سابق را نداشت می بایست این غائله ختم شود تاریخ شرکت سابق و دست نشانگان او را محکوم کرده بود این حکم امتیاز ناپذیر و لازم الاجراء بود - توطئه دوی کار آذرنه خنثی شد ؛ « کشتیاب و سیاست دگرش » در برابر آذره ملت خورد شدند ، ملت ، از زیر رگبار مسلسل ، جرخ های کوه پیکر تانک و توپ با دادن صدمه کشته از بهترین جوانان خود بیروز پدرا آمد در حالیکه توام و یارانش به کنج بیخوله های خود دروازه چشم همه از ترس غمخت ملت بنهان شدند داشته این نهضت از کنار کاروان از جزیره آبادان نیز گذشت و شبه جزیره عراق سرایت کرد جوانان دانشگاه دانش آموزان بیدار دل با دبه نشینان صعاری خشک عراق نیز برای طرد استعمار به پا خواستند

و با مبارزه دلورانه خود زنگ خطر را بصدا در آورده گرچه این نمایش ضد استعماری برای ملت عراق گران تمام شد و خون چندین تن از بهترین فرزندان عراق در این راه ریخته شد ولی دشمنان عراق غارتگران ثروتهای ملی ساحل نشینان فرات آنچنان گنج و مبهوت شدند که آزمایش نادرست و نقشه شکست خورده خود در ایران را در آن کشود نیز پیورده اجراء در آورده استعمارگران ساحل تاینز و متفقین طماع آنها نمی توانسته پاور کنند و بخود بقبولانند که نورالدین ها مصدوم ها زسرال نجیب ها عبدالاله ها سرنوشتی جبر سرنوشت رژیم آذره بخواهند داشت

آنها نمیتوانند بفهمند که هرچه این فشارهای مذبحخانه را شده ترکند و آتش ششم ملت تانیز تر خواهد شد آنها گمان کرده اند که با این حربه های ذلک زده می توان ملت تانیز زنجیر گسل را با دیکر قل برکردن نهاد

نمایشات پرشکوه پیروز مردم تهران برای پشتیبانی و تأیید مبارزات قهرمانانه ملت عراق تظاهرات ضد استعماری و جلسات پرشوری که برای هندودی با مردم داغ دیده عراق در مین ما برپا شد موج های نفرت و انزجاری که نسبت بمملات وحشیانه و استعماری دول غرب در عراق از این کارگران دهقانان و دانش جوان مین ما برخاست و بساحل دجله و فرات رسا زبر شده نشانه اتحاد و همبستگی خلل ناپذیر ملل استعمار زده است

پیروز و هندو ایران در میان احساسات گرم و پشتیبانی های ملت های استعمار زده از زیر یوغ استعمار جسته و آزاد شدند امروز عراق و بند همه

اخبار کارگری

رئیس شرکت توربین یکی از کارگران رافقظ بجرم چاپداری از مصدق ارکار برکنار کرده است

دهقانان ( دهنو ) از بسوک هفت مرده سپهر سفلی فرهنگ شهرضا را غرق خیانت کرده اند ...

آنها مدت ها بود که از اداره فرهنگ شهرضا تقاضای تأسیس یک باب دبستان شش کلاسه میکردند .

اما فرهنگ از اجابت این تقاضای مشروع ابا میکرد ، تا اینکه سال گذشته بودجه ساختمان یک باب دبستان تصویب شد .

با این وجود ، فرهنگ شهرضا از ساختمان این دبستان خودداری کرد .

واقعا این سهل انگاری شرم آوار است ! اکنون لازم است که بودجه جدیدی در سال جاری تصویب برسد که آن هم بران مسامحه اولیای امور معلوم نیست تصویب برسد .

مردم ( دهنو ) خودشان یک باب خانه بطور موقت در اختیار فرهنگ گذاشته اند تا شاید اولیای فرهنگ شهرضا بفکر بازکردن یک دبستان شش کلاسه بیافتند ، ولی متأسفانه هنوز هم اولیای فرهنگ حاضر نشده اند که برای این دبستان عشق کلاسه آموزگار و وسایل دیگر بفرستند .

شاید آنها را هم خودمالی باید بدهند !

رئیس شرکت توربین استعفا داد

قوام السلطنه و قتیبه که عده ای از کارگران میهن پرست در تلگرافخانه برای اظهار تنفرو اعتراض نسبت بحکومت اوجم بودند یکی از کارگران شرکت دستور میدهد

در یاد بود شهدای عراق

بقیه از صفحه ۱
فرزندان و برادران خود را در راه طرد استعمار قربانی دادند گرد آمده بودند سالن حزب ملو از جمعیت بود صدهای رسای هر زمان امیر بیچاره جانشین ها ستونهارا میفرزانه

برنامه مجلس توسط منوچهر بهار صفت بدین ترتیب اعلام شد :

از طرف کارگران وابسته بحزب - مهدی - امری - از طرف دانش آموزان موسی زاده و از طرف دانش جوانان احمد امیری سخنرانی کردند

ابتدا آقای مهدی امری کلار کرد میان نیرو و هلیله حصار پشت تریبون قرار گرفت چنین گفت :

افتخار دارم که بنشینم از طرف کارگران وابسته بحزب زحمتکش ملت ایران سلام آتشین خود را ببازرین و میباید نهضت ملی عراق ابراز داد

حزب ما که امروز پیشرو ترین جناح مترقی نهضت ملی ایران است در طی حوادث اخیر نشان داده است که صمیمانه از حقوق ملل محروم و استبداد شکنان دفاع کرده و در تمام موارد هم آهنگی و هموردی خود را با توده های محرومی که زنجیرهای استوار را پاره کرده و می کنند اعلام داده است

مردم زحمتکش و زجر دیده آسیا که در طی قرون متدای دوزخ سلطه و نفوذ غم امپریالیسم انگلستان دست و پا میزدند امروز یکی پس از دیگری با مبارزات شکستنده خود نفوذ سیاستهای استعماری را ریشه کن می کنند

امروز از نتایج ثمر بخش نهضت ضد استعماری ملت قهرمان ما قدرت عظیمی در سراسر شرق بوجود آمده است که برای درهم کوبیدن سیاست استعماری انگلستان از مبارزات ملت ما الهام میگیرند

هر بیروزی که در راه نهضت ملی ایران کسب میکنیم بهمان اندازه که در موفقیت های مردم محروم عراق و مصر و سایر ملل شرق تازر خواهد داشت ؛ نهضت مقدسی که امروز در میان کارخانه ها و کشتزار ها مهادرس و دانشگاه گسترش یافته بی شک آزادی کلیه طبقات محروم را در پی دارد

ما یقین داریم که با مقاومت های دسته جمعی ملل محروم قادر خواهیم بود که دیگر به متجاوزین حقوق ملل اجازه ندهیم که در سرنوشت ما دخالت کنند ؛ دنیای شرق با الهام از نهضت ضد استعماری ما نشان داد که زور و قلدری را با شدت هر چه تمامتر رد هم خواهد کوبید و اجازه نخواهد داد که مزدوران امپریالیزم سیاه و سرخ ، شرق را میدان ترکتازی و توسعه طلبی خود سازند ؛

پیروز ملت ما از قید استعمار رهائی یافت و امروز مردم قهرمان عراق با قوای استعمار زد نیز شدند و فردا تمام ملل محروم شرق بیگانه و بیگانه پرست را از خاک خود بیرون خواهند راند این خواست عمومی توده های محرومی است که امروز پیوسته خواسته اند

ما نشان دادیم که علیرغم توطئه ها و خیانت های آشکار دشمنان ملت قادریم که از میان سیل خون و آتش بیروزی نائل گردیم و امروز هم یقین داریم که ملت قهرمان عراق زیر بحکومت ژنرال های دسه نشانه نخواهد رفت

رزم آراء ها ، قوام ها نیز در مقابل خواست عمومی ملت می خواستند مقاومت کنند اما سرنوشتی که دچار آنها شد مسلما نصیب ژنرال نورالدین ها ، عبدالاله ها ، نوری سیدما خواهد گردید ؛ مردم قهرمان عراق را بخون کشیدند

که برق تلگرافخانه را قطع کنند تا بلند گوی متحصنین از کار بازماند ؛ کارگر مزدور که آرزوی سقوط حکومت قوام را در سر داشت ، از اجرای دستور رئیس خودداری کرد ، پس از این جریان ، رئیس او را از کارخانه اخراج کرد و هنوز هم که هنوز است از پذیرفتن او بکار خودداری میکند

ما از اداره کار استان دهم میخواهیم که بهوشوع فوق چه! توجه کند ، زیرا معلوم نیست که کارگر مزدور بیگانه بوده و فقط شاید در اینکه با حکومت قوام موافقت نداشته است گناهکار تشخیص داده شده است !!!

قوله از صفحه ۱
بقیه از صفحه ۱
فرزندان و برادران خود را در راه طرد استعمار قربانی دادند گرد آمده بودند سالن حزب ملو از جمعیت بود صدهای رسای هر زمان امیر بیچاره جانشین ها ستونهارا میفرزانه

برنامه مجلس توسط منوچهر بهار صفت بدین ترتیب اعلام شد :

از طرف کارگران وابسته بحزب - مهدی - امری - از طرف دانش آموزان موسی زاده و از طرف دانش جوانان احمد امیری سخنرانی کردند

ابتدا آقای مهدی امری کلار کرد میان نیرو و هلیله حصار پشت تریبون قرار گرفت چنین گفت :

افتخار دارم که بنشینم از طرف کارگران وابسته بحزب زحمتکش ملت ایران سلام آتشین خود را ببازرین و میباید نهضت ملی عراق ابراز داد

حزب ما که امروز پیشرو ترین جناح مترقی نهضت ملی ایران است در طی حوادث اخیر نشان داده است که صمیمانه از حقوق ملل محروم و استبداد شکنان دفاع کرده و در تمام موارد هم آهنگی و هموردی خود را با توده های محرومی که زنجیرهای استوار را پاره کرده و می کنند اعلام داده است

مردم زحمتکش و زجر دیده آسیا که در طی قرون متدای دوزخ سلطه و نفوذ غم امپریالیسم انگلستان دست و پا میزدند امروز یکی پس از دیگری با مبارزات شکستنده خود نفوذ سیاستهای استعماری را ریشه کن می کنند

امروز از نتایج ثمر بخش نهضت ضد استعماری ملت قهرمان ما قدرت عظیمی در سراسر شرق بوجود آمده است که برای درهم کوبیدن سیاست استعماری انگلستان از مبارزات ملت ما الهام میگیرند

درین طریق بود که یک جنایت

بقیه از صفحه ۱
آزادی بیشتر از همه ماهیت ضد فاشیستی او را واضح و آشکار می سازد از این چهار جلد سه جلد اول آن تحت عنوان ( قصر عقل ) ( توبین ) و « مرکز روح » تاکنون منتشر شده است ؛ « قصر عقل » مربوط بزمانی است که « سبایا دواتر دسیه توامان لیبرالهای فرانسه و انگلیس از طرفی و توطئه خد ارانه فاشیسم ایتالیا و آلمان از طرف دیگر گرفتار جنگ هولناکی شده بود ؛ و در « توبین » آدم بلازم دسیه کاران لیبرالرا دوشا دوش همان توطئه جی های فاشیست میبیند و اینبار افعال آنها باعث از بین رفتن چکسلواکی سال ۱۹۱۸ میشود ؛ « مرکز روح » حاصل بی بند و باری لادیه ها و چمبرلان هاست ؛ مربوط بزمان سقوط فرانسه است ؛ مال آن روزها می است که آلمانها وارد پاریس میشدند و دههین دو جلد اخیر است که سارتر برده از روی یک توطئه دیگری پر می دارد توطئه صلحخواهی ؛ او نشان میدهد که آلمان هینلری برای اینکه فرصت تهیهی قوا داشته باشد چگونه بوسیله پرواز دادن کبوترهای صلح و اجزام امواج بیزاری از جنگ ذهن مردم اروپا بصحوص فرانسویها را منحرف نموده بود در حالی که خودش داشت تاندان مسلح میشد ؛ لیبرالهای اروپای غربی را در یک خوش باوری فریبنده ای فرورده بود و در این اثر خود نشان میدهد که در حقیقت زمامداران لیبرال فرانسه و انگلیس مشول قطعی از پادشاهان آریس و چکسلواکی و بالا تراز آن زبانه کشیدن آتش جنگ دوم بین المللی هستند ؛ زیرا اگر آنها در موقع تصرف ناحیه دن و یا لا اقل در زمان « آتشلوس » وسقوط چکسلواکی جلوی زیاد روی های هینلر را گرفته بودند جنگ گذشته شروع نمیشد و یا اگر شروع میشد نالین حد هولناک و ویران کننده نبود

در حال حاضر نیز پس از دو جنگ خانمانسوز ، مردم جهان با چنین توطئه ای رو برو هستند منتها امروز کبوتران صلح بوض برن از مسکو به پرواز در می آید امروز درست مثل این است که کینفر میس وارت بدون رفیق فاشیزم میباید همان روشی که آنها برای فریب مردم جهان و آماده کردن خویش برای بلعیدن کشورهای بیکار میبردند

امروز مورد عمل رهبران مکتب استالین قرار گرفته است در حالی که در کشور های جهان کانون صلح ایجاد میکنند و کبوتران صلح را بسرو سینا این و آن میآورند ؛ خود شب و روز اسلحه میسازند و هر روز آشوبی براف میاندازند

چکسلواکی سال ۱۹۱۸ در سال ۱۹۳۸ از پا در آمد و پس از جنگ دوم نیز هنوز چند صباحی از تجدید حیات آن نگذشته باز در اثر توطئه ای محکوم بپرک گردید ؛ یک طرف توطئه را در آن زمان فاشیستها بودند بار اخیر کینفر میسها اشغال کرده بودند

گذشته از این در طرز عمل آنها در برهه گشی آدمی و بر با کردن بازداشتگاه هادر ترورهای سیاسی و از بین بردن مخالفین شهادت بسیاری بین این دو گروه یعنی فاشیزم محروم و کینفر میس جی و حاضر جود دارد

اما باید دید که آیا آدم دوره کنونی که تازه از کوره جنگ گذشته بیرون آمده و تجربیات بزرگی در آن سال و حشمتکند اندوخته با دیکر فریب نظر فداران دروغن صلح را میبخورد یا نه ؟

شواهد بسیاری موجود است که این با تریز دشمنان آزادان بستک خواهد خورد و بشر امروز پس از تجربه های تلخی که دیده است دیکر فریب آنها را نخواهد خورد و تن پیردگی نخواهد داد

تست زیر نقل و ترجمه از جلد دوم ( جاده های آزادی ) یعنی کتاب تمویق میباشد ؛ و صحنه ای را نشان میدهد که در آن ناقوس مرکز کشور آزاد و مستقلی بدست دالادیه و چمبرلان بصدا در می آید . قلم موشکاف و محکم سارتر در همین چند سطر بهترین وجهی قیافه گریه چمبرلان و دالادیه این مظاهر لیبرالیسم قبل از جنگ را بخوبی نقاشی میکند و آدم را وادار با احساس چگونگی وقوع یک جنایت تاریخی مینماید .

در این قطعه دو واقعه بیواژت هم میگردد ؛ یکی واقعه ای بسیار خصوصی و دیگری واقعه ای بسیار عمومی و هر دو بیچینایی ختم مییابند ، شاید گذشته از این وجه مشترک دیگری دو واقعه آن باشد که هر دو در یک مهمانخانه ( هتل ) می گذرند . نویسنده هر دم بسراغ یکی از این دو واقعه میروود و در آخر کار روشن می سازد که این دو جنایت یکی خصوصی و دیگری عمومی قدرو چه مشترک دارند .

اینک خود داستان ، شب سیام سپتامبر - ساعت یک وسی دقیقه صبح آقایان هربرت مازاریک و ماستنی اعضای هیئت نمایندگی دولت چکسلواکی با توافق مستر آشتن گواتکین در اطابقه سر هوراس ویلن در هتل داشت بانتظار نشسته بودند رنگ و روی ماستنی پریده بود ؛ فرق میریخت و هاله های کبود رنگی زیر چشماش دیده میشد . هربرت مازاریک در اطاق قدم میزد و آشتن گواتکین روی تخت خواب نشسته بود . ایوبش بانتهای تخت غلطیده بود او با ژرژ تماسی نداشت اما می توانست گرمای او را حس کند و صدای نفسش را بشنود او خوابش نیبیرد و میباید که ژرژ بخواب نرفته است .

چربانهای الکتریکی درها را و کفشهایش راه پانته بود ؛ دلش میخواست بیست بطلد ؛ اما اگر حرکتی میکرد باز تماس می یافت تا هوروت که ژرژ او را در خواب میبیداشت ممکن بود کاری بکارش نداشته باشد . اصلا او چرابویلا آمده است ماستنی بسوی آشتنی گواتکین رو کرد و گفت خیلی طولانی شده است .

آشتنی گواتکین حرکتی از روی بی اعتنائی و مملدوت خواهی نمود . خون بصورت مازاریک چپیده او با صدای بی آهنگی گفت : منم منتظر اعلام رای می باشد ، انکار که آشتنی گواتکین چیزی نمیخورد سایرین نیز سکوت پیشه ساختند .

ایوبش اندیشید « شب نمیخواهد به پایان برسد » اما ناگهان تصادم گوشت نرمی را با پشت خود احساس کرد . ژرژ خیال کرد که او در خواب است « او نمی باید حرکتی کند و الا ژرژ در خواهد یافت که من بیدارم » گوشت مرتب در سراسر پشت او میسرید ؛ گوشتی داغ و نرم پالی بود ؛ ایوبش لب زیرین خود را گاز گرفت ؛

مازاریک ادامه داد . « برای اینکه شبایت کامل شود مارا بوسیله پلیس پذیرائی کردند . »

یک کتاب گرانبها و خواندنی برای همه ... برای چشمهای بسته ... و برای علاقمندان به نهضت ملی ... اثر گرانبهای خلیل ملکی

متفکر معاصر منتظر آگهی بدی باشید

چاپ شرکت مطبوعات

سازمان ورزشی

روز ۱ شنبه جلسه هفتگی سازمان ورزشی برای دفاع از حقوق ورزشکاران در ساعت ۶ به اظہر در محل حزب تشکیل می شود ورود برای صوم ورزشکاران آزاد است .

سازمان ورزشی

تسلیمیت

قرار اطلاع ماده دبیر گرامی ما آقای سید جواد افچه برحمت ایزدی پیوسته اند مصیبت دردناک را با ایشان و خانواده معترشان تسلیم میگویم .

جلیل وفائی ، قاسم خانی ، علی صابری ، مهدی امینیان